

بازبینی برخی روایات فقهی ماثوره از حضرت فاطمه زهرا (س)

جلوه‌های فقاہت در کلام فاطمی

دکتر حسن شانه‌چی

در اصطلاح فقهی سنت عبارت است از: قول، فعل و تقریر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم که در ضمن مصدر تشریح احکام در کلیه مذاهب اسلامی محسوب می‌شود. این اصطلاح از آن هنگام شکل گرفت که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به مسلمانان امر فرمود از سنت او پیروی کنند. بدین ترتیب کلمه سنت آنگاه که به تنهایی و بدون انتساب به کسی به کار رود، مفهوم آن اموری است که بیان کننده حکمی شرعی از جانب رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم باشد، خواه این امور مبنای قولی داشته باشد یا فعلی و یا تقریری.

اما در اصطلاح فقهاء امامیه سنت از مفهوم وسیع تری برخوردار است و از آن جایی که امامان اهل بیت علیهم السلام دارای ملکه عصمت‌اند و این اصل با ادله خاص خود ثابت شده است، قول و فعل و تقریر آن گرامیان همانند پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم مورد اعتماد و حجت است. بدیهی است امامان اهل بیت علیهم السلام همانند سایر اصحاب و تابعین و راویان احادیث نبوی صلی الله علیه وآله وسلم نیستند که اقوال ایشان فقط به جهت وثاقت و اعتماد در نقل روایات حجت باشد، بلکه آنها امامانی هستند که توسط رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم و از جانب خدای متعال منصوب شده‌اند و در مسائل شرعی بر اساس احکام واقعی تعیین شده از جانب خداوند حکیم می‌کنند. این احکام حقیقی یا از طرق وحیانی - مانند وحی نبوی - و یا از طریق معصوم دیگر به آنها می‌رسد. از این رو سنت امامان علیهم السلام با توجه به برخوردارگی از لوازم حجیت یعنی عصمت و علم، همانند سنت نبوی، حجت و واجب الاتباع است و عبارت می‌باشد از: قول و فعل و تقریر!

فاطمه زهرا علیها السلام از کلیه مقامات اهل بیت و تمامی توصیفاتی که درباره علم و معرفت و عصمت ایشان شده، برخوردار است، جز آنکه در روزگار او امام منصوب و مخصوص از جانب خدای متعال، امیر مؤمنان علی علیه السلام بوده و حضرت صدیقه کبری نیز به امامت آن گرامی اقتدا کرده است

نمی‌گیرند. این در حالی است که فاطمه زهراء علیها السلام پس از امامان معصوم علیهم السلام تنها کسی است که واجد شرایط یاد شده و منزلت مذکور است.

ما در این مقال بر سر آن نیستیم که به بحث فقهی در خصوص اقوال و روایات صدیقه کبری سلام الله علیها بپردازیم، بلکه با توجه به بضاعت نویسنده و ظرفیت نوشتار، ضمن اشاره‌ای به مقامات علمی حضرتش، نگاهی به روایات فقهی آن سرور بانوان عالم خواهیم افکند.

مقامات علمی حضرت زهرا علیها السلام

خانه و خانواده‌ای که فاطمه زهراء علیها السلام در آن پرورش یافت، بیت وحی و خاندان علم و معرفت الهی بود. پدر بزرگوارش رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بیانگر علوم و معارف ربانی و شارع احکام الهی و خانه‌اش مهبط ملائکه و منزلگاه حاملان وحی بود، و فاطمه علیها السلام بی‌شک از این دریای بیکران علم و دانش توشه‌ها برگرفت و حکمت‌ها آموخت. همین سیره پسندیده پس از ازدواج و رفتن به خانه شوهر نیز ادامه یافت؛ شوهری که نزدیک‌ترین مردمان به منبع وحی و کسی که پیامبر او را «باب مدینه علم» خود نامیده و فرموده بود: «عالم‌ترین شما علی است!» کسی که تمام علوم و معارف الهیه را که در گنجینه سینه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بود، از آن گرامی فراگرفت و آموخت. آری، حضرت فاطمه زهراء علیها السلام در کنار چنین همسری که خزانه علم خداوند و پیامبرش بود، از معارف دینی بهره‌مند می‌شد و در اکتساب این علوم از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم، شریک همسرش بود. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره فرموده است:

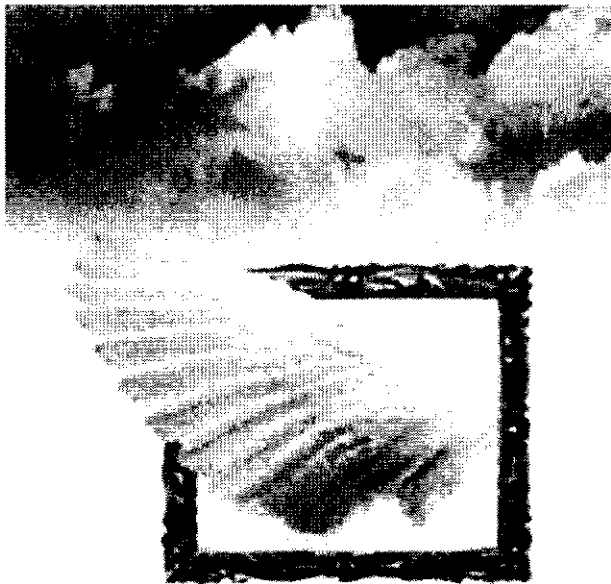
«كنت ادخل علی رسول الله کلّ یوم دخلة و کلّ لیلة دخلة، فیخلینی فیها آدور معه حیثما دار، و قد علم اصحاب رسول الله انه لم یصنع ذلک باحد من الناس غیری، و ربما کان ذلک فی بیتی، یاتینی رسول الله اکثر ذلک فی بیتی، و کنت اذا دخلت علیه بعض منازلہ اخلائی، و اقام عنی نساءه، فلا یبقی عنده غیری و اذا اتانی للخلوة معی فی بیتی لم تقم عنہ فاطمة و لا احد من بنی ... فما نزلت علی رسول الله آیه من القرآن الا أقرانیها و أملاها

احکامی که توسط ائمه علیهم السلام بیان می‌شود، از قبیل روایت و نقل سنت نبوی نبوده و یا از نوع اجتهاد به رای و استنباط احکام از مصادر تشریحی نیست، بلکه ایشان فی نفسه مصدري برای تشریح احکام‌اند و در مواردی که به نقل روایات و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم اقدام کرده‌اند، یا به جهت اهمیت نقل اصل روایت و انتساب آن به پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بوده و یا به سبب اتمام حجت بر دیگران، و چه بسا علل و انگیزه‌های دیگری در میان بوده است که ما از آن آگاه نیستیم.^۱

افعال معصومین علیهم السلام به جهت برخوردارگی از ملکه عصمت، حداقل بر مباح بودن فعل مذکور دلالت می‌کند و اگر امام معصوم علیه السلام فعلی را انجام ندهد، این امر اقلأ دلیل بر عدم وجوب آن فعل است. دلالت افعال معصومین در این حد قطعی و مسلم است، اما احکام وجوب و حرمت و استحباب و ... معمولاً به سبب وجود قرآنی ثابت می‌شود که بر بیش از سند اباحه و عدم آن دلالت کند.^۲

اما تقریر معصوم بی‌شک در جواز انجام کار خاصی ظهور دارد که احتمال حرمت آن نیز وجود داشته باشد، و نیز بر مشروعیت و صحت اعمال عبادی و معاملات دلالت می‌کند، البته تقریر بیان حکم نیز همانند تقریر فعل است، اما این که ملاک حجیت چیست، معلوم شد که عبارت است از: اتصال به منبع وحی و علم الهی و دارا بودن ملکه عصمت؛ و چنانچه کسی به جز پیامبر اکرم و امامان معصوم علیهم السلام یافت شود که از این ملاکها برخوردار باشد، می‌توان به حجیت سنت او همانند سنت نبی مکرم اسلام و ائمه اهل بیت علیهم السلام حکم نمود. اما بی‌تردید نمی‌توان کسی را یافت که دارای شرایط مذکور باشد، مگر فاطمه زهرا سلام الله علیها را! حق این است که قدر و منزلت فاطمه زهراء علیها السلام ناشناخته مانده و به خصوص مقام و شخصیت علمی آن شفیقه دو سرا مجهول و پوشیده است و شاید تعبیر بهتر آن باشد که بگوییم: به منزلت علمی حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها توجه و اهتمام لازم نشده است و گواه بر این مطلب این که از سخنان، خطبه‌ها و روایات ایشان در مسائل فقهی و استنباط احکام شرعی بهره گرفته نمی‌شود و این کلمات نورانی در زمره ادله شرعی و مؤیداتی که بتوان در استنباط احکام شرعی به آنها اعتماد کرد، قرار





تقریر معصوم بی شک در جواز انجام کار خاصی ظهور دارد که احتمال حرمت آن نیز وجود داشته باشد، و نیز بر مشروعیّت و صحّت اعمال عبادی و معاملات دلالت می کند

عَلَى فَكَيْتَبُهَا بَخَطِي وَ عِلْمَنِي تَأْوِيلُهَا وَ تَفْسِيرُهَا وَ ...»^۴
 «من هر صبح و شام بر رسول خدا وارد می شدم و او یا من خلوت می کرد و من در هر آنچه بر او می گذشت با او بودم، و اصحاب رسول خدا می دانستند که او به جز من با هیچ یک از مردم چنین نمی کند. چه بسا این خلوت در خانه من بود و رسول خدا بیشتر به خانه من می آمد. هرگاه من به منزل او وارد می شدم، با من خلوت می کرد و همسرانش را از نزد من بیرون می برد و کسی جز من نزد او نمی ماند و هنگامی که آن حضرت به قصد خلوت به خانه من می آمد، فاطمه و هیچ یک از فرزندانم از نزد او بر نمی خاستند... پس آیهای بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نازل نشد، مگر که آن را بر من خواند و املاء کرد و من آن را نوشتم و تاویل و تفسیر و ... آن را به من آموخت...»

اهل بیت علیهم السلام وارثان علم و معرفت نبوی و حاملان دانش الهی اند و در این باره توصیفات بسیاری از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه اطهار علیهم السلام بیان شده است. امام صادق علیه السلام فرموده است:

«أَنَا أَهْلُ بَيْتٍ عِنْدَنَا مَعَالِقُ الْعِلْمِ وَأَثَارُ النَّبْوَةِ وَ عِلْمُ الْكِتَابِ ...»
 «ما اهل بیتی هستیم که جایگاه های دانش و آثار نبوت و علم کتاب نزد ماست»^۵

در زیارت جامعه کبیره که توصیف جامعی از اهل بیت علیهم السلام ارائه داده، از ائمه هدی سلام الله علیهم با عناوینی چون «خَزَانُ الْعِلْمِ» و «عَبِيَّةٌ عِلْمِيَّةٌ» و «حَمَلَةُ كِتَابِ اللَّهِ» یاد شده است. این تعبیر تصریح به مقامات علمی و جایگاه والای دانش و معرفت اهل بیت دارد که حضرت فاطمه زهراء علیها السلام نیز در زمره آن گرامیان است. این که فاطمه زهراء علیها السلام یک تن از اهل بیت پیامبر است، نیاز به تاکید و اثبات ندارد و آیات قرآنی و روایات صحیح مبین این واقعیت است که بارزترین آنها آیه تطهیر و حدیث کساء می باشد. در این خصوص روایت ذیل از ابن عباس جالب توجه است. وی می گوید:

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نشسته بود و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نزد او بودند. در این حال پیامبر فرمود: بار خدایا! تو می دانی که اینان اهل بیت من و محترم ترین مردم نزد منند، پس هر کس آنها را دوست بنارد تو نیز او را دوست بنار...»^۶

بنابراین فاطمه زهرا علیها السلام از کلیه مقامات اهل بیت علیهم السلام و تمامی توصیفات که درباره علم و معرفت و عصمت ایشان شده،



برخوردار است، جز آنکه در روزگار او امام منصوب و منصوب از جانب خدای متعال، امیرمؤمنان علی علیه السلام بوده و حضرت صدیقه کبری علیها السلام نیز به امامت آن گرامی اقتدا نموده است. در کنار اینها باید به این نکته توجه داشت که صدیقه کبری سلام الله علیها همانند ائمه معصومین علیهم السلام محدث بود و از این طریق با سرچشمه علم الهی اتصال داشت. سلیم بن قیس ضمن روایتی در این باره می گوید:

«از محمد بن ابی بکر پرسیدم: آیا علی علیه السلام محدث بود؟ گفت: بلی، گفتم: آیا ملائکه به جز انبیاء با کسی سخن می گویند؟ ... گفت بلی، فاطمه علیها السلام نیز محدثه بود، ولی پیامبر نبود»^۷

به علاوه در روایات فراوانی تاکید شده است که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم - که فاطمه زهراء علیها السلام دچار حزن و اندوه بسیار بود - به امر خداوند جبرئیل به نزد او می آمد و مطالبی را بازگو می کرد. این مطالب که توسط امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته می شد، عنوان «مصحف فاطمه» یافت و همراه سایر کتب آسمانی و کتاب های امیرالمؤمنین علیه السلام در اختیار ائمه اطهار علیهم السلام قرار داشت و بدان استناد می کردند^۸.

اما آن چه بیش از همه گواه بر مقام علمی حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها است، روایات و سخنان نقل شده از ایشان است که اگر چه به سبب عمر کوتاه آن گرامی در مقابل روایات امامان علیهم السلام اندک است، اما سرشار از علم و معرفت می باشد. مجموع سخنان و روایات حضرتش که به دست ما رسیده، شامل چند خطبه و نزدیک به یکصد سخن است که روایات مذکور را بر حسب موضوعات می توان تقسیم بندی و در عناوین: احکام، اخلاق، آداب و سنن، مناجات و نیایش، عقاید و ... قرار داد. خطبه ها نیز بنا به شرایط و موقعیتی که بیان شده اند، حاوی مطالب سیاسی، اجتماعی، اعتقادی و فقهی می باشند که با دقت و بررسی می توان این مطالب را از آنها استخراج کرد.

مجموع روایات فقهی و فراهایی از خطبه ها که صراحتاً به احکام فقهی اشاره دارند، حدود سی مورد است. البته باید توجه داشت که خطبه های طولانی و مفصل حضرت فاطمه زهراء سلام الله علیها که مشتمل بر ابواب مختلف معرفتی است، در نگرشی فقهاتی می تواند در استنباط بسیاری از احکام مورد استفاده قرار گیرد که این امر نیازمند تلاش تخصصی و فقیهانه است»^۹.

علاوه بر روایات و خطبه ها که می توان آنها را سنت قولی فاطمه زهرا علیها السلام نامید، سیره آن گرامی نیز که همان سنت فعلی است، به عنوان مصدری برای تشریح احکام می تواند به کار گرفته شود. سیره عملی حضرت صدیقه طاهره علیها السلام که بخشهای زیادی از آن چه در زمان حیات پیامبر و یا بعد از آن نقل شده است، از نکات و ظرایف بسیاری برخوردار است که توجه به آنها در مباحث فقهی می تواند راهنما باشد.

اما روایات فقهی مذکور بر اساس موضوعات آنها بدین قرار است:

فلسفه وجودی احکام

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در بخشی از خطبه مفصل خود که در مسجد مدینه پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ایراد فرمود، ضمن اشاره به برخی احکام الهی، فلسفه وضع این احکام را بیان می کند. مسلماً توجه به حقیقت احکام و حدود الهی و علل تشریح آنها در بحث های فقهی راه گشاست. ذیلاً توجه خواننده ارجمند را به فصلی از خطابه شریف آن گرامی جلب می کنیم:

«... فجعل الله الايمان تطهيراً لكم من الشرك و الصلاة تنزيهاً لكم عن الكبر و الزكاة تزكيةً للنفس و نماءً في الرزق و الصيام تنبيهاً للاخلاص و الحج تشييداً للدين و العدل تنسيقاً للقلوب و طاعتنا نظاماً للملة و امامتنا اماناً من

الفرقة و الجهاد عزاً للاسلام و الصبر معونة على استيعاب الاجر و الامر بالمعروف مصلحة للامة و بزوال الدين وقاية من السخط و صلة الارحام منامة للعدد و القصاص حقناً للدماء و الوفاء بالنذر تعريضاً للمغفرة و توفية المكائيل و الموازين تغييراً للبخس و النهي عن شرب الخمر تنزيهاً عن الرجس و اجتناب القذف حجاباً عن اللعنة و ترك السرقة ايجاباً للعفة و حرّم الله الشرك اخلاصاً له بالربوبية...».

فاطمه زهراء (س) فرمود: خداوند ایمان را سبب تطهیر شما از شرک قرار داد، و نماز را وسیله پاکي از کبر و غرور، و زکات را موجب تزکیه نفس و فزونی روزی، و روزه را عامل تثبیت اخلاص، و حج را وسیله تقویت اسلام، و عدالت را مایه هماهنگی دلها، و اطاعت ما را باعث نظم ملت اسلام، و امامت ما را امان از تفرقه و پراکندگی، و جهاد را موجب عزت اسلام، و صبر و شکیبائی را وسیله ای برای جلب پاداش حق، و امر به معروف را برای اصلاح توده ها، و نیکی به پدر و مادر را برای پیش گیری از خشم خداوند، و صلّه رحم را جهت افزایش جمعیت، و قصاص را برای حفظ نفوس، و وفاء به نذر را موجب آموزش، و جلوگیری از کم فروشی را وسیله مبارزه با کمبودها، و نهی از شرابخواری را برای پاکسازی از پلیدیها، و پرهیز از تهمت ناروا را حجابی در برابر غضب پروردگار، و ترک نزدی را برای حفظ عفت نفس، و تحریم شرک را برای اخلاص و بندگی و ربوبیت خود مقرر داشت...».

روزه و شرایط روزه دار :

آن بانو در روایتی روح روزه و روزه داری را صیانت نفس از گناه بر می شمرد و می فرماید :
«ما یصنع الصائمُ بصبامه إذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه»^{۱۲}
روزه دار هنگامی که زبان و گوش و چشم و جوارح خود را حفظ نکند، با روزه خود چه می خواهد بکند؟
روزه نذر :

وقتی امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیمار شده بودند؛ حضرت زهرا علیها السلام آنها را در آغوش گرفته، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم برد و فرمود :
«إن برئ و لکدی مما بهما صمتُ الله ثلاثة أيامٍ شکرًا»^{۱۳}
اگر پسرانم از بیماری بهبودی یابند، سه روز برای سپاس به درگاه خدا، روزه می گیرم.

ارث و قوانین آن :

زمانی که ابوبکر بر مسند خلافت نشست و اموال فاطمه زهرا علیها السلام در فدک و سهم ایشان در خمس را تصرف کرد، حضرت به مسجد آمده، در خطبه ای که ایراد فرمود، به او اعتراض نموده، ضمن بیان قوانین ارث از کتاب خدا درباره حق خود مدعی شد و چنین فرمود :

«ایها المسلمون أ أغلب علی ارثیه... أفعلی عمَدَ ترکتم کتاب الله و نبذتموه وراء ظهورکم إذ یقول: و ورت سلیمان داوود».

و قال فیما اقتص من خیر یحیی بن زکریا قال:
«فهب لی من لدنک ولیاً یرثنی و یرث من آل یعقوب».
و قال: «ولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله».
و قال: «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظّ الانثیین».
و قال: «ان ترک خیراً الوصیه للوالدین و الاقربین بالمعروف حقاً علی المتقین...»^{۱۴}

«ای مسلمانان! آیا باید ارث من به زور گرفته شود... آیا عمداً کتاب خدا را ترک گفتید و پشت سر افکندید؟ در حالی که این قرآن است که می فرماید:

سلیمان از داوود ارث برد!
و در بیان سرگذشت یحیی بن زکریا به نقل از زکریا می گوید: خداوند! فرزندی نصیب من کن که از من و آل یعقوب ارث ببرد!
و نیز می فرماید: خویشاوندان در ارث بردن از یکدیگر نسبت به بیگانگان سزاوارترند!
و می گوید: اگر کسی مالی از خود بگذارد، و برای پدر و مادر و بستگان به طرز شایسته وصیت کند، این بر همه پرهیزگاران حق است ...

خمس و موارد مصرف آن:

باز آن حضرت در مقابله با ابوبکر درباره اموال غصب شده خود فرمود:
«لقد علمتُ الذی ظلمتُنَا عند اهل البیت من الصدقات و ما آفاه الله علینا من الغنائم فی القرآن من سهم ذوی القربی»
«و اعلموا انما غنتم من شیئی فان لله خمسهُ و للرسول و لذی القربی».
قال ابوبکر : یُسلمُ الیکم کاملاً؟
قالت : افلک هو؟ و لا قربانک؟
قال ابوبکر: اصرف فی مصالح المسلمین؛
قالت: لیس هذا حکم الله تعالی ان رسول الله لم یعهد الی فی ذلک بشیئی الا انی سمعته یقول لنا انزلت هذه الاية: «واعلموا انما غنتم ...»
أبشروا آل محمد فقد جاءکم الغنی.

حضرت زهرا علیها السلام در این احتجاج فرمود :

ابابکر! تو خوب می دانی چه ظلمی به ما اهل بیت روا داشتی درباره صدقات و سهم ذوی القربی، که خداوند از غنائم به ما اختصاص داد و در قرآن فرمود:

یدانید آن چه غنیمت می گیرید، خمس آن برای خدا و رسول و ذوی القربی است؟

ابوبکر گفت : آیا کاملاً به شما داده می شود؟

حضرت فرمود : مگر اینها برای تو و خویشان توست؟!

ابوبکر گفت : من آن را در مصالح مسلمانان مصرف می کنم.

حضرت فرمود : اما این حکم خدای متعال نیست، رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در این باره به من توصیه ای نکرد، جز اینکه وقتی آیه «واعلموا انما غنتم ...» نازل شد، شنیدم که پدرم فرمود: ای آل محمد! مژده باد که ثروت و بی نیازی به سوی شما آمد!

همچنین صدیقه کبری علیها السلام در همان خطبه ای که در مسجد مدینه ایراد کرد، موارد مصرف «خمس» و «فیء» را که در قرآن آمده به تفصیل بیان نمود و فرمود:

«أما فذک فان الله عز و جل انزل علی نبیه قرأناً یامر فیہ باتیان حقی قال الله :

فات ذالقربی حقه؛

فکنت انا و وُلدی اقرب الخلاق الی رسول الله فَفَتحَنتی و وُلدی فذکاً فلما تلی علیه جبرئیل:

و الیتامی و المساکین و ابن السبیل،

قال رسول الله : الیتامی الذین یاتمون بالله و برسوله و بذی القربی، و المساکین الذین أسکنوا معهم فی الدنیا و الاخرة و ابن السبیل الذی یسلک مسلکهم،

قال عمر: فإذا الخمس و الفیء کله لکم و لموالیکم؟!

قالت: أما فذک فأوجبها الله لی و لوُلدی دون موالینا و شیعتنا، و أما الخمس فقسّمه الله لنا و لموالینا و اشیاعنا كما یقرأ فی کتاب الله .

قال عمر: فما لسایر المهاجرین و الانصار و التابعین؟

قالت: ان كانوا موالینا من اشیاعنا فلهم الصدقات التی قسّمها الله و أوجبها فی کتابه فان الله رضی بذلک و رسوله رضی به^{۱۵}.

آنچه بیش از همه گواه بر مقام علمی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها است، روایات و سخنان نقل شده از ایشان است که اگر چه به سبب عمر کوتاه آن گرامی در مقابل روایات امامان علیهم السلام اندک است، اما سرشار از علم و معرفت می باشد





حضرت زهرا علیها السلام فرمود: اما درباره فدک، خداوند در قرآنی که بر پیامبرش نازل نمود، فرمان داد که پیامبر حق مرا بدهد و فرمود: حق نزدیکانت را بده!

و من و دو فرزندم نزدیکترین مردم به رسول خدا بودیم و او فدک را به من و فرزندانم بخشید و هنگامی که جبرئیل این آیه را بر او خواند که: «و الیتامی و المساکین و ابن السبیل (حق آنها را بده) ...». رسول خدا فرمود: یتیمان در این آیه آنانند که به خدا و رسول خدا و ذوی القربی اقتدا کنند و مساکین کسانی هستند که با آنها (خدا و پیامبر و آل او) در دنیا و آخرت سکنی گزینند و ابن السبیل کسی است که به راه آنها برود. عمر گفت: آیا در این صورت خمس و فیه کاملاً برای شما و موالیان شماسست؟!

فرمود: اما فدک را که خداوند فقط برای من و فرزندانم واجب کرده است نه موالیان و شیعیانمان؛ ولی خمس را برای ما و شیعیان ما تقسیم کرده است چنانکه در کتاب خداست.

در این حال عمر پرسید: پس چه بهره‌ای برای مهاجرین و انصار و تابعین خواهد بود؟

فرمود: اگر از موالیان و شیعیان ما باشند، صدقاتی که خداوند در کتابش بیان کرده و تقسیم نموده و واجب گردانیده برای آنهاست، که خداوند و رسول او به این امر خشنودند.

وصیت

حضرت فاطمه علیها السلام پیش از وفات به طور کتبی و شفاهی به امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت نمود. این وصایا بیانگر مواردی است که شخص می‌تواند درباره آنها وصیت کند، از آن جمله محل دفن، چگونگی تشییع جنازه، غسل و غسل دهندگان، برگزاری نماز میت و ... در این وصایا که حضرت بخشی از آن را خطاب به اسماء و تمام آن را به امام امیرالمؤمنین علیه السلام بیان فرموده چنین آمده است:

«قالت یا اسماء! اذا انا مت فاعسلینی انت و علی ابن ابیطالب و لا تدخلینی علی احد!».

ای اسماء! وقتی من از دنیا رفته‌م، تو و علی بن ابیطالب مرا غسل دهید و کسی را بر جنازه من وارد نکند.

«قالت لا تصلی علی امة نقضت عهدالله و عهد ابي رسول الله فی امیرالمؤمنین علی و ظلموا لی حتی ...».

و باز فرمود: امتی که عهد خدا و پدرم رسول الله را درباره امیرالمؤمنین علی شکستند و در حق من ظلم کردند بر من نماز نگذارند ...

«قالت: و لا تدفنی الا لیلاً و لا تعلیم احدا قبری».

و نیز فرمود: مرا فقط شبانه دفن کن و کسی را از محل قبرم آگاه نکن. درباره وصایای حضرت زهراء روایات بسیاری نقل شده که نیازمند بحثی دقیق است.

شهادت و بینه

حضرت فاطمه زهراء علیها السلام در احتجاجات خود با ابوبکر برای مطالبه حق خویش در فدک، به ارائه شاهد و بینه نیز توجه داشت، زیرا از نظر غاصبان فدک او مدعی حقی بود و می‌بایست برای آن بینه‌ای بیاورد، در این حال آن گرمای که خود را ذی حق می‌دانست، برای ارائه بینه اعلام آمادگی کرده، فرمود:

«هنا اول شهادة زور شهدا بها فی الاسلام فان فدکاً انما هی تصدق بها علی رسول الله ولی بذلک بینة».

این اولین شهادت دروغی است که آن دو - عمر و ابوبکر - در اسلام به آن گواهی دادند. مبنی بر این که پیامبر فرمود: «ما پیامبران ارت نمی‌گذاریم». به

راستی که فدک را رسول خدا فقط به من بخشید و من بر این امر بینه دارم. آنگاه فرمود: «علی و ام ایمن یتشهران بذلک».

علی و ام ایمن به این امر (بخشش فدک) شهادت می‌دهند.

مالکیت و قاعده ید

فاطمه زهرا علیها السلام در مناظره‌ای که با ابوبکر و عمر در قضیه غصب فدک دارد، درباره حق خود نسبت به فدک و مالکیت آن به قاعده «ید» استشهد می‌کند و آنها را که خواستار شاهد و بینه بودند، محکوم می‌سازد. بنگرید:

قالت: «الیست فدک فی یدی و فیها و کیلی و قد اکتلت غلتها و رسول الله حی؟»

قالا: بلی،

قالت: فلم تسالانی فی البینه علی ما فی یدی؟»

آن حضرت فرمود: آیا فدک در دست من نبود؟ و وقتی رسول خدا زنده بود، آیا نماینده من در آن نبود و من از غله آن نمی‌خوردم؟ گفتند: آری،

فرمود: پس چرا درباره آنچه در دست من بوده از من شاهد و بینه می‌طلبید؟!

حرمت شراب

امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که فاطمه سلام‌الله علیها فرمود:

«قال لی رسول الله : یا حبیبة ایها! کل مسکر حرام و کل مسکر خمر».

رسول خدا به من فرمود: ای محبوبه پدر! هر مست کننده‌ای حرام است و هر مست کننده‌ای خمر است.

همچنین آن حضرت به نقل از پدر بزرگوارش فرمود: «من شرب شربة فلد منها لم تقبل صلاته اربعین یوما و لیلة» کسی که شراب بنوشد و لذت ببرد، نماز او چهل شبانه روز پذیرفته نگردد».

گوشت قربانی

ام سلیمان می‌گوید: نزد عایشه همسر رسول خدا رفتم تا درباره گوشت قربانی بپرسم، گفت: پیامبر ابتدا از آن نهی کرده بود ولی بعد اجازه داد. زمانی که علی بن ابیطالب علیه‌السلام از سفر آمد، فاطمه علیها السلام مقداری از گوشت قربانی برای او برد. علی علیه‌السلام گفت: مگر رسول خدا صلی‌الله علیه و آله وسلم از خوردن آن نهی نکرده بود؟ فاطمه علیها السلام گفت:

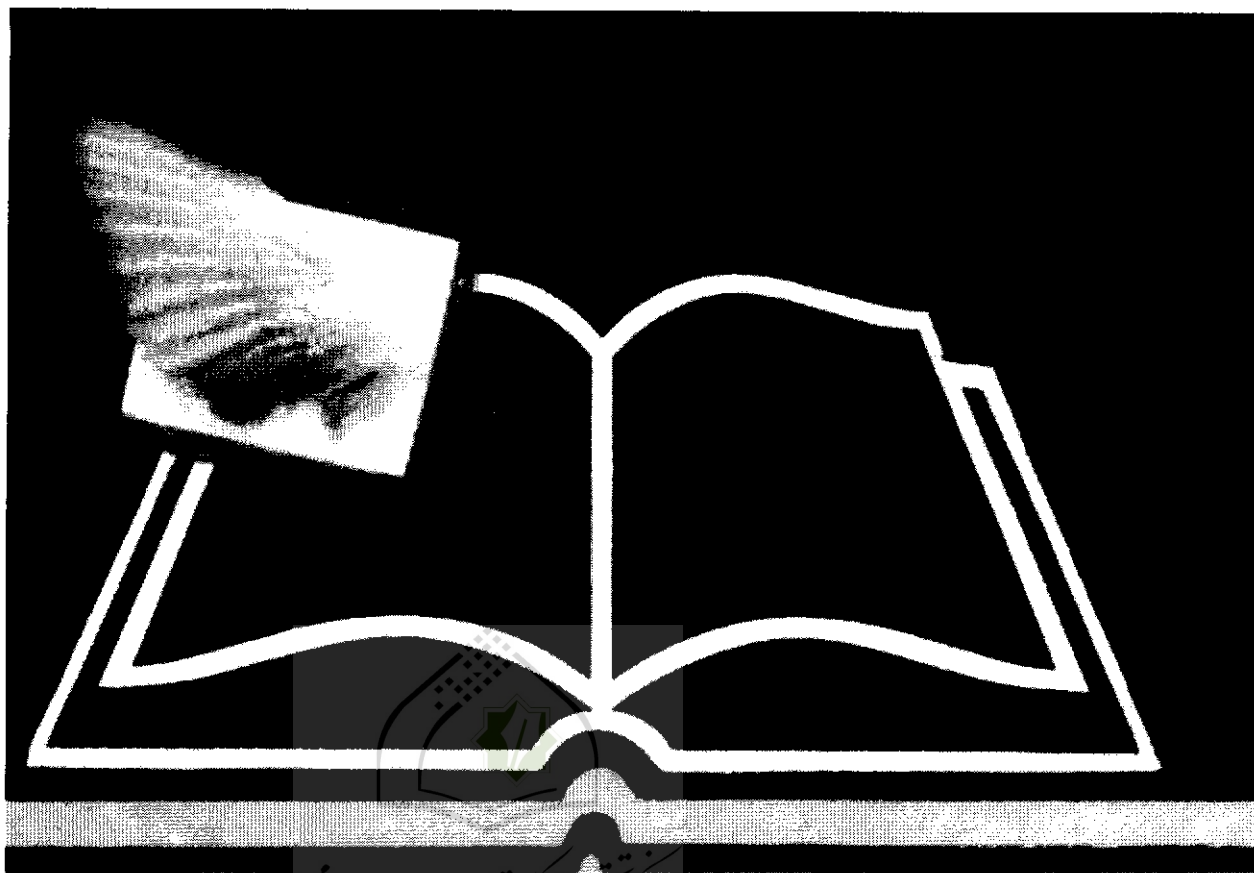
«انه رخص فیها : به خوردن آن اجازه داده شد».

واجبات و مستحبات در غذا خوردن

قالت: «فی المائدة اثنتا عشرة خصلة یحب علی کل مسلم ان یعرفها، اربع فیها فرض و اربع فیها سنة و اربع فیها تادیب. فاما الفرض فالمعرفة و الرضا و التسليم و الشکر، فاما السنة فالوضوء قبل الطعام و الجلوس علی الجانب الايسر و الاکل بثلاث اصابع فاما التادیب فالاکل بما یلیک و تصغیر للقممة و المضغ الشدید و قلة النظر فی وجوه الناس».

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: در خوردن غذا دوازده ویژگی وجود دارد که بر هر مسلمانی دانستن آنها واجب است. چهار نکته آن واجب چهار ویژگی مستحب و چهار خصلت نشانه ادب است.

اما چهار ویژگی واجب عبارتست از: شناخت رضایت، تسلیم و شکر گزاری در برابر خداوند؛ و نکات مستحب آن عبارتست از: وضو داشتن پیش از غله نشستن در موقع غذا خوردن، نشستن بر جانب چپ و خوردن غذا با سه انگشت؛ و نشانه‌های ادب آنست که: از غذای جلو (و در دسترس) خوردن، لقمه را کوچک برداشتن، خوب جویدن، به دیگران کم نگاه کردن.



احکام نگاه

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گوید: نزد پیامبر بودیم. آن حضرت از فاطمه علیها السلام پرسید چه زیوری برای زنان نیکو و رواست؟ او فرمود: «خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال»^{۲۴}. بهترین زیور برای زنان این است که مردان (نامحرم) را نبینند و مردان (نامحرم) نیز آنها را نبینند.

نیز نقل شده است روزی مرد نابینایی پس کسب اجازه به منزل علی علیه السلام وارد شد و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم که در منزل حضور داشت. مشاهده کرد حضرت زهرا علیها السلام با ورود آن نابینا از جای برخاست و خارج شد. پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: دخترم این مرد نابیناست؛ فاطمه سلام الله علیها عرضه داشت: «ان لم یکن یرانی فانی اراه و هو یشم الريح»^{۲۵}.

اگر او مرا نمی‌بیند، من او را می‌بینم و او بوی مرا استشمام می‌کند. در پایان یادآوری این نکته ضرورت دارد که آن چه در این جا از سخنان آن بانوی گرامی در حوزه احکام و فقه ارائه شد، تمامی روایات فقهی ماثوره از حضرتش نیست و فقط نمونه‌هایی از سخنان نورانی دخت گرانقدر پیامبر سلام الله علیها بود و بررسی و دقت فقیهانه در کلیه روایات و خطبه‌های آن سرور بانوان عالم ما را به دقائق علمی بیشتری رهنمون می‌شود و این وظیفه‌ای است که انجام آن از فقیهان عالیقدر شیعه این مرزبانان مکتب اهل بیت علیهم السلام، انتظار می‌رود.

پی نوشتها:

۱. رک: مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ۲، ۶۳.

۲. همان.

۳. همان، ۶۵.

۴. همان.

۵. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۳۸.

۶. مفید، الاختصاص، ص ۳۰۹ و همان ۳۰۸ و بحار الانوار ۳۲/۲۶.

۷. بحار الانوار ۴۴/۴۳.

۸. بصائر الدرجات، ص ۱۰۹.

۹. بحار الانوار ۴۴/۲۶.

۱۰. چنین کاری در کتاب «من فقه الزهراء» در حدیث شرح حدیث کساء و خطبه‌های

حضرت فاطمه (س) صورت گرفته است.

۱۱. طبرسی، احتجاج، ۱۹۴/۱.

۱۲. عوالم العلوم، ۶۲۵/۱۱.

۱۳. اربلی، کشف الغمه، ۴۹/۲.

۱۴. طبرسی، احتجاج، ۱۹۵/۱.

۱۵. کشف الغمه، ۳۷/۲.

۱۶. انساب الاشراف، ۴۵۰ و فرهنگ سخنان حضرت فاطمه، مرحوم محمد

دشتی، ۲۷۲.

۱۷. دیلمی، ارشاد القلوب، ۲۶۳.

۱۸. بحار الانوار، ۲۰۹/۴۳.

۱۹. عوالم العلوم، ۴۳۶/۱۱.

۲۰. طبرسی، احتجاج، ۵۸/۲.

۲۱. مستدرک الوسائل، ۳۹۹/۱۷.

۲۲. طبری، دلائل الامامه، ص ۳.

۲۳. عوالم العلوم، ۶۲۴/۱۱.

۲۴. فاطمه الزهراء بهجة قلب الرسول، ۲۶۸.

۲۵. عوالم العلوم، ۶۲۹/۱۱.

۲۶. کشف الغمه، ۲۳/۲.

۲۷. مناقب ابن شهر آشوب، ۴۲۸/۳.

